

هرگاه سخن از ترجمه به طور عام و ترجمه قرآن کریم به طور خاص به میان می‌آید، دو اصطلاح زبان مبدأ و زبان مقصد و ضرورت آشنایی و تسلط مترجم بر این دو، مطرح می‌گردد. دلیل این امر هم روشن است؛ سکه ترجمه دو رو دارد: **فهم** متن و **تفہیم** آن. تردیدی نیست که تسلط و مهارت مترجم در فهم متن زبان مبدأ، و سپس تفہیم آن به مخاطب فرضی زبان مقصد از ضروریات هر برگردانی است و شرط وافی به مقصود بودن هر ترجمه‌ای نیز وجود چنین مهارتی در مترجم است که بدون آن، عمل (=فرایند) ترجمه، قرین توفیق نخواهد بود. به بیان دیگر، همان گونه که در کتاب‌های مربوط به مبانی نظری ترجمه نیز آمده است، هر قدر تسلط مترجم بر سطوح مختلف دو زبان بیشتر و به حد آرمانی و ایده‌آل نزدیک‌تر باشد، به همان میزان احتمال توفیق وی در برگردان خوب (=امین) متن بیشتر می‌شود. به واقع، هر عیب و نقصی در یک ترجمه مشاهده شود، مستقیماً – و گاهی به طور غیر مستقیم – مدلول ضعف مترجم در زبان مبدأ و یا زبان مقصد است. در مقالات و تحقیقات مربوط به امر ترجمه، و خصوصاً ترجمه قرآن کریم، به ضرورت تسلط و مهارت مترجم بر دو زبان پرداخته

## فهم یا تفہیم؟

□  
**فارسی نویسی،  
 ضرورتی بایسته در  
 ترجمه کلام وحی**

□  
 مجید صالحی  
 عضو هیأت علمی  
 دانشگاه امام حسین(ع)  
 □

شده و در این باره، فراوان سخن به میان رفته است. لیکن در حوزه ترجمه کلام قدسی وحی، سؤالی که معمولاً به ذهن هر پژوهشگری متبادر می‌شود، این است که در این حوزه خاص، با آن ویژگی‌های منحصر به فردش، اهمیت کدام روی این سکه بیشتر است؟ به سخن دیگر، آیا اشتباهات - مع الأسف - معتناهی که مترجمان معزز و بزرگوار قرآن کریم در برگردان این کلام آسمانی مرتکب شده‌اند، ناشی از ضعف آنان در فهم متن قرآن شریف بوده است یا ضعف آنان در تفهیم آن در زبان مقصد؟ و یا هر دو؟ این قلم بنا دارد در مقالی فشرده و مختصر پاسخی برای این سؤال و دلایل آن بیابد. آنچه نگارنده در اظهار نظرها و مقالات و تحقیقات قرآن پژوهان یافته است آن است که این بزرگواران بر سه دسته‌اند: دسته اول که ظاهراً اکثریت آنان را تشکیل می‌دهند، برآنند که اشکالات موجود در ترجمه‌ها بیشتر مدلول عدم مهارت و تسلط مترجم در زبان قرآن است تا زبان مقصد. این گروه با ارائه شواهدی وازگانی از اشکالات موجود در برخی ترجمه‌های قرآن کریم - نظیر وازگان قصص، سماعون و... - معتقدند دلیل وجود این اشکالات آن است که مترجم محترم در فهم آن واژه یا عبارت، مشکل داشته است. این گروه برای تسلط مترجم در زبان مبدأ ۷۵٪ و در زبان مقصد ۲۵٪ نقش قائلند. دسته دوم که به نظر می‌رسد تعدادشان هم کم نیست، معتقدند مترجم باید به طور پایاپای و علی السویه بر هر دو زبان به یک اندازه تسلط داشته باشد. در غیر این صورت، در برگردان متن دچار مشکل خواهد شد. از دید اینان، شرط کفایت و توفیق هر ترجمه‌ای، مهارت مترجم به میزان ۵۰٪ در زبان مبدأ، و ۵۰٪ در زبان مقصد است. و سرانجام، دسته سوم که تعدادشان اندک می‌نماید، بر این باورند که تسلط مترجم بر زبان مقصد، اهمیتی به مراتب بیش از تسلط او بر زبان مبدأ دارد و مشکل اصلی متون ترجمه شده عموماً، و ترجمه‌های قرآن کریم خصوصاً، در ضعف مترجمان در تفهیم برداشت و فهم خود از متن اصلی نهفته است. در نگاه این گروه، ۲۵٪ تسلط و مهارت در فهم متن زبان مبدأ کافی است و ۷۵٪ تلاش و مهارت مترجم باید روی زبان مقصد متمرکز باشد. این قلم نیز که در شمار افراد دسته سوم قرار دارد، بر این اعتقاد است که بخش عمده اشکالات موجود در ترجمه‌های قرآن کریم، حاصل عدم تسلط و مهارت مترجمان محترم کلام وحی در زبان مقصد است<sup>۱</sup> و گرنه شاید بتوان با اندکی تسامح ادعا کرد که تقریباً همه مترجمان بزرگوار مصحف شریف درک و

۱. جهت اطلاع بیشتر نک: کیهان فرهنگی، شماره ۱۳۸، دی ماه ۱۳۷۶، صص ۶ تا ۱۰ (میزگرد این شماره: ترجمه یا برداشت؟ با شرکت حجة الاسلام محمد نقدی، بهاء الدین خرمشاهی، مجید صالحی).

برداشت مشابهی از فحوای آیات شریفه این کتاب داشته‌اند؛ لیکن به دلیل اختلاف درجات و مراتب آشنایی و مهارت آنان در زبان مقصد، با ترجمه‌های مختلفی رو به روییم. به بیان دیگر، اختلافات موجود در برگردان‌های گوناگون از قرآن کریم، بیشتر ناشی از اختلاف مترجمان محترم در نحوه تفهیم فحوای آیات در زبان مقصد است، تا فهم آنان از خود آیات. واقع امر آن است که از اشکالات و ازگانی ترجمه‌های قرآن کریم که بگذریم، یکی از مهم‌ترین مشکلات اکثر ترجمه‌های کلام وحی به فارسی در عصر حاضر، مشکل فارسی نویسی مترجمان است؛ بدان معنی که نگارش فارسی این افراد محترم بعضاً حتی در سطوح ابتدایی زبانی مانند دستور زبان، توالی عناصر نحوی، نقطه گذاری، و... اشکالات فاحش دارد. به چند نمونه توجه کنید:

□ \* إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً... (یونس / ۱۰ / ۴۹)

□ چون فرا رسد، ساعتی دیر زود نگردد...<sup>۱</sup>

□ \* وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى... (نحل / ۱۶ / ۷۹)

□ و خدا شما بندگان را آفریده و بعضی را به سن انحطاط پیری...<sup>۲</sup>

□ \* فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ (تین / ۹۵ / ۷)

□ پس چه چیز تکذیب کند از این پس...<sup>۳</sup>

□ \* وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (عادیات / ۱۰۰ / ۱)

□ سوگند به دوندگان به ستوه آمدن...<sup>۴</sup>

□ \* فَالِقُ الإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ

الْعَلِيمِ (انعام / ۶ / ۹۶)

□ خداست شکافنده پرده صبحگاهان و شب را بر آسایش خلق او مقرر داشته و خورشید

و ماه را به نظمی معین او به گردش درآورده این (نظم ثابت عالم) به تقدیر خدای منظم مقتدر

و داناست.<sup>۵</sup>

□ \* أَعَذُّبُهُ عَذَابًا لَّا أَعَذُّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ (مائده / ۵ / ۱۱۵)

۱. قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای، ص ۲۱۴.

۲. همان، ص ۲۷۴.

۳. قرآن کریم، ترجمه معزی.

۴. همان.

۵. قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای، ص ۱۴۰.

□ من او را عذابی کنم که هیچیک از عالم‌های آفریدگان را چنان عذابی نکنم [!]<sup>۱</sup>

\* صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً... (بقره / ۲ / ۱۳۸)

□ آراستن خدایی است و کیست بهتر از خدا به آراستن...<sup>۲</sup>

\* أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ... (بقره / ۲ / ۲۶۶).

□ مگر یکیتان دوست دارد باغی داشته باشد از نخلها و تاک‌ها از همه گونه میوه در آن و پیری بدو رسیده و فرزندان ناتوان دارد و گردبادی آتشبیز به باغ رسیده و بسوخته اینسان...<sup>۳</sup>

\* فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (آل عمران / ۳ / ۱۱)

□ خداوند آنها را به گناهانشان گرفت و خداوند شدید العقاب است.<sup>۴</sup>

\* رَأَىٰ يَتِيمٌ لِي سَاجِدِينَ (یوسف / ۱۲ / ۴).

□ دیدم [آنها] برای من سجده می‌کنند.<sup>۵</sup>

\* قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (آل عمران / ۳ / ۱۸)

□ در حالی که (خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد؛ معبودی جز او نیست که هم توانا و هم حکیم است.<sup>۶</sup>

نیازی به یادآوری نیست که موارد فوق‌الآشاره، تنها مشتق نمونه خروار است و یافتن نظیر چنین جملات و عباراتی در اکثر ترجمه‌ها، کار وقت‌گیر و دشواری نیست و با اندک تورقی و با صرف اندک وقتی می‌توان نمونه‌های بسیاری از این دست را یافت. همچنان که ملاحظه می‌شود، «فارسی نبودن» ساختار - به اصطلاح - ترجمه‌های فوق‌نیاز به توضیح ندارد و در همان بادی امر، هویداست. لطفاً یک‌بار دیگر ترجمه‌های فوق را بخوانید تا دریابید جملات تا چه حد مغشوش و در هم ریخته‌اند و چنین ترجمه‌هایی بدون هیچ ویرایشی و بدون آن که شخص دیگری این - به اصطلاح - ترجمه‌ها را بازبینی کند، حروفچینی شده و روی کاغذ آمده و روانه بازاری شده که متأسفانه هنوز اشباع نشده است و برای مشتریان آن، نام مترجم و کیفیت کار او اهمیتی ندارد.<sup>۷</sup> ناگفته نباید گذاشت که سعی این

۱. قرآن کریم، ترجمه جلال‌الدین فارسی.

۲. همان.

۳. قرآن کریم، ترجمه ابوالقاسم پاینده.

۴. قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.

۵. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.

۶. قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.

۷. کیهان فرهنگی، همانجا.

مترجمان محترم صد البته مشکور است، چرا که در اغلب موارد، این بزرگواران برای پرهیز از افزودن کلماتی از خود به متن قرآن کریم در ترجمه و به زعم خود، برای حفظ امانت در ترجمه، چنین عبارات و جملاتی را نوشته‌اند؛ لیکن همان گونه که در جای دیگری بحث کرده‌ایم،<sup>۱</sup> امانت در ترجمه به معنای آن نیست که، فی‌المثل، به ازای هر واژه در زبان مبدأ، واژه معادلی در ترجمه بیاوریم و بعد همان واژگان را با همان توالی و ترتیب کنار هم بچینیم و آن را ترجمه قرآن کریم بنامیم. به اعتقاد این قلم، این کار اگر چه با نیت حفظ امانت در ترجمه صورت گرفته باشد، وافی به مقصود نیست، زیرا به جای آن که امانت را در برگردان محتوای آیات شریفه رعایت کند، باعث ایجاد تبعاتی می‌گردد که اهم آنها بدین قرار است:

**الف. عدم رعایت امانت در ترجمه:** در ترجمه هر متنی، مترجم موظف به حفظ امانت در ترجمه است؛ یعنی مترجم مجاز به افزودن چیزی به متن و یا کاستن چیزی از آن و یا پس و پیش کردن عبارات و عناصری که در شکل یا محتوای متن اصلی دارای کارکرد و نقشی هستند، و یا برگردان متن زبان مبدأ، به شیوه‌ای که با اسلوب نحوی و ساختار جملات و توالی معمول واژگان در زبان مقصد همخوانی نداشته باشد، نیست. در کل باید گفت هر عملی که منجر به تحریف و دستکاری در پیام دریافتی و تأثیر مستنبط از خواندن آن ترجمه در ذهن مخاطب مفروض گردد، عدم رعایت امانت در ترجمه تلقی می‌شود. برای پیشگیری از چنین امری، باید اصول تعادل ترجمه‌ای (translation equivalency) که در کتاب‌های مربوط به فن ترجمه اختصاراً TE خوانده می‌شود، مراعات گردد. از جمله این اصول می‌توان از تعادل در سطح واژگان، بافتار، ساختار، پیش‌تصورات، سازمان عناصر آشنا و نا آشنا، تأثیر ادراکی و... نام برد که مفصلاً در کتاب در آمدی بر اصول و روش ترجمه، تألیف دکتر لطفی پور ساعدی از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی بحث شده است. با یک نگاه اجمالی و اولیه به ترجمه‌های پیشگفته، خواننده در می‌یابد که این ترجمه‌ها در بسیاری از این سطوح، مشکل اساسی دارند و در ترجمه امانت را مراعات نکرده‌اند و ترجمه‌ای امین محسوب نمی‌شوند. عیب کار این جاست که تازه تمامی این اصول مورد بحث در کتاب‌های فن ترجمه، ناظر بر ترجمه متون بشر ساخته‌اند، چه رسد به برگردان کلام و وحی که خداوند متعال، پیامبر رحمت را که اشرف کائنات و مخلوقات است، در صورت دستکاری در محتوای آیات وحی شده بر قلب

مبارکش، به صراحت تهدید به قطع رگ گردن می‌کند.<sup>۱</sup> به راستی چگونه می‌توان پذیرفت که در برگردان مقدس‌ترین متن مسلمانان جهان، مترجمی حق داشته باشد ابتدایی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین اصول ترجمه را نادیده بگیرد و ترجمه‌ای را به جامعه عرضه کند که همان‌گونه که در مورد مثال‌های پیشگفته ملاحظه شد - حتی در سطوح ابتدایی زبانی مانند دستور زبان، نقطه‌گذاری، توالی عناصر نحوی، ساختار و سازمان عناصر تشکیل دهنده جملات و... اشکالات غیر قابل توجیه داشته باشد و با کلام وحی، آن کند که حتی در ترجمه ادبیات کودک نیز در هیچ کجای جهان، از جمله کشور ما، سابقه ندارد؟!

**ب.** کاستن از زیبایی بیان قرآنی: با قرائت چنین ترجمه‌هایی و مقایسه آنها با متن آیات شریفه قرآن کریم، خواننده درمی‌یابد که حتی اندکی از آن همه عظمت دست نیافتنی بیانی و شکوه سحر انگیز کلامی در این - به اصطلاح - ترجمه‌ها بازتابانده نشده است و حتی این ترجمه‌ها باعث شده‌اند متن زبان مبدأ برای خواننده ترجمه در زبان مقصد، بسیار سخیف و بد جلوه کند. دریغ و افسوس که مترجمان آثار بشر ساخته، در برگردان فلان اثر ادبی و بهمان شاهکار نویسندگان زبان‌ها و فرهنگ‌ها و ملل دیگر، آن همه وسواس و دقت به خرج می‌دهند، لیکن با کمال تأسف برخی مترجمان محترم قرآن، ناخواسته و ندانسته، ابداً توجهی به ابتدایی‌ترین اصول ترجمه ندارند و کسی و سازمانی هم برای نظارت بر این امر و دادن تذکرات و پیشنهادهای لازم به مترجم محترم و سامان و سازمان دادن به ترجمه کلام قدسی وحی، وجود ندارد و امر مهمی چون ترجمه مقدس‌ترین کلام جامعه بشری، بی‌هیچ چاره جویی و نظارت و اندیشه‌ای از سوی فرهیختگان قوم و اندیشمندان جامعه، به حال خود یله و رها شده است. به راستی این درد را به کجا باید برد؟ و به که باید گفت؟

**ج.** دفع نوجوانان، جوانان و تحصیل‌کردگان: وجود ترجمه‌هایی از این دست در جامعه موجب دفع جوانان مراجعه‌کننده به این ترجمه‌ها می‌شود، چرا که فرد به طور ناخود آگاه، از نظر روانی در معرض ترجمه‌ای قرار می‌گیرد که قرار است به زبان او باشد، ولی کم‌ترین همخوانی و تطابقی با دانش زبانی ناخود آگاه وی و نیز شیوه‌ای که او خود، به طور روزمره به زبان خود صحبت می‌کند ندارد. در واقع، چنین ترجمه‌هایی به جای جاذبه، دافعه قوی‌تری دارند! و از این رهگذر، محتمل است که ضربه‌هایی نیز به قشر در حال تحصیل و یا تحصیل‌کردگانی که آشنایی چندانی با زبان عربی و یا حوزه علوم مرتبط با قرآن پژوهی ندارند، بزنند و

۱. سوره حاقه، آیات ۴۴ تا ۴۶.

مخاطب را وادار کنند سپر دفاعی به دست گیرد و ناخودآگاه واکنش تدافعی داشته باشد.

۵. وافی به مقصود نبودن برای جویندگان ترجمه آیات: بخش اعظم مراجعه کنندگان به ترجمه‌های قرآن کریم را کسانی تشکیل می‌دهند که برای پی بردن به معنای آیه خاصی یا برای استفاده از آن ترجمه در نوشتار یا سخنرانی خود و یا نقل آن در پارچه نوشته‌ها و جزوات و... به ترجمه قرآن کریم مراجعه می‌کنند. واقعیت آن است که برخی ترجمه‌ها - نظیر بعضی از ترجمه‌های پیشگفته - از این حیث، وافی به مقصود نیستند، بدین معنی که با خواندن آن ترجمه، چیزی دستگیر فرد نمی‌شود و یا آن ترجمه قابل نقل در نوشته خاصی نیست. یک بار دیگر ترجمه‌های آیات مورد بحث در این مقال را از این نظر ملاحظه کنید.

۵. بی معنی بودن برخی جملات و عبارات: یافتن جملات و عباراتی نسبتاً بی معنی در بعضی ترجمه‌های فارسی کلام وحی احتیاج به صرف وقت فراوان ندارد و با تورقی تصادفی در این گونه ترجمه‌ها می‌توان موارد نسبتاً معتنا بهی را جست. از دید راقم این سطور، ترجمه‌هایی که فهم آنها در بادی امر و با یکی دو بار خواندن، ممکن نیست و به غوراندیشی، تأمل و تعمق فراوان و مراجعه به متن خود آیه برای به دست آوردن هاله‌های معنایی آن عبارت یا جمله نیاز دارند، نیز در شمار ترجمه‌های مشمول این بند قرار می‌گیرند. برای نمونه، جملات و عبارات زیر را به صورت انتزاعی و مجرد و بدون توجه به متن عربی آنها و ارتباط دادن آنها با خود آیات قرآن کریم، در نظر بگیرید تا ملاحظه شود که فهم معنی آنها چه اندازه دشوار و بعضاً غیر ممکن است:

سوگند به دوندگان به ستوه آمدن / پس چه چیز تکذیب کند از این پس / سن انحطاط / هیچیک از عالم‌های آفریدگان را چنان عذاب نمی‌کنم / آراستن خدایی است / باغی داشته باشد از نخلها و تاک‌ها از همه گونه میوه در آن و پیری بدو رسیده و فرزندان ناتوان دارد و گردبادی آتشبیز به باغ رسیده و بسوخته اینسان / برای من سجده می‌کنند / چون فرا رسد، ساعتی دیر زود نگردد / و...

جان کلام آن که همان گونه که در جای دیگری هم به این نکته پرداخته‌ایم<sup>۱</sup>، همه این اشکالات، معلول عدم تسلط و تبحر مترجمان محترم مورد بحث در زبان مقصد است و نه حاصل مشکل آنان در فهم معنای آیات. حال باید پرسید هدف از ترجمه کلام وحی چیست؟ آیا جز این است که مترجم محترم قرآن می‌خواهد آینه‌ای فرا روی مخاطب خویش قرار دهد

۱. کیهان فرهنگی، همانجا.

که فحوای کلام خداوند در حد وسع و توان بشری در آن انعکاس پیدا کند؟ آیا هدف، جز ایجاد پلی ارتباطی میان خالق و مخلوق است؟ و آیا لازمه این کار، آن نیست که شیوه و اسلوب مورد استفاده در ترجمه مصحف شریف، باید اسلوبی مفهوم برای مخاطبان ترجمه باشد؟ اگر پاسخ مثبت است - که به یقین، چنین است - باید این گونه استنتاج کنیم که مترجم محترم قرآن کریم باید بر زبان مقصد تسلطی بسیار بیشتر از زبان مبدأ داشته باشد و شیوه نگارش او در برگردان کلام وحی، شیوه‌ای مفهوم برای گویشوران آن زبان و اسلوبی منطبق بر ساختار نحوی و واژگانی آن باشد. عدم توجه به اصول و ضوابط حاکم بر یک ترجمه امین و خوب، منجر به تولید عبارات و جملاتی شبیه آنچه در بالا آمد، خواهد شد. اهم دلایل ضعف مترجمین در فارسی نویسی و وجود چنین ترجمه‌هایی در بازار نشر به قرار ذیل است:

۱. مترجم محترم، سابقه و انس بیشتری با زبان عربی دارد و در نتیجه کاملاً تحت تأثیر ساختار زبان مبدأ قرار می‌گیرد و برای خواننده، اصطلاحاً ترجمه‌اش «بوی ترجمه می‌دهد». به نمونه‌هایی توجه کنید: پس چه چیز تکذیب کند از این پس / یکیتان دوست دارد باغی داشته باشد از نخلها و تاک‌ها از همه گونه میوه در آن / قیام به عدالت دارد / آراستن خدایی است و کیست بهتر از خدا به آراستن /.

۲. مترجم محترم گویشور بومی زبان مقصد نیست و با زبان روان فارسی و جایگزین‌های مناسب آشنایی کافی ندارد. البته منظور این قلم آن نیست که تنها فارسی زبانان حق ترجمه قرآن به فارسی را دارند و یک کرد زبان، ترک زبان، یا انگلیسی زبان نمی‌تواند قرآن را به فارسی برگرداند؛ بلکه منظور این است که مترجم محترم قرآن به فارسی، اگر خود، سخنگوی بومی این زبان نیست، باید تسلط کافی و وافی به مقصود بر این زبان داشته باشد. در برخی ترجمه‌های ارائه شده در ابتدای این گفتار، فقدان این تسلط و تبحر لازم، به خوبی خود را نشان داده است.

۳. مترجم محترم با هدف رعایت امانت در ترجمه سعی کرده است به ازای هر واژه، واژه معادلی در ترجمه خود بیاورد؛ در حالی که همچنان که پیش‌تر گفته شد، منظور از رعایت امانت در ترجمه ابداً این نیست. این اشکال نیز در اکثر ترجمه‌های مذکور هویدا و بی‌نیاز از توضیح است.

۴. مترجم محترم در مخاطب‌شناسی ضعف دارد و او را در نظر نگرفته و خود را جای او



نشانده و اهمیتی برای او قائل نشده است که اگر چنین بود بایستی بسیاری از این ترجمه‌ها فاقد اشکالات "اظهر من الشمس" در فارسی نویسی می‌بودند.

۵. مترجم محترم، مترجم حرفه‌ای عربی-فارسی نیست و چه بسا اولین و آخرین کارش، همین ترجمه قرآن است! به همین دلیل با ظرایف، لطایف و غوامض ترجمه آشنا نیست. یافتن مترجمانی از این دست از میان مترجمان فوق‌الأشاره را به خواننده فرهیخته این سطور وا می‌گذاریم.

۶. مترجم محترم شناخت کافی از مفهوم ترجمه، ضوابط و مؤلفه‌های آن و شرایط ترجمه امین ندارد. امروزه این شاخه از دانش بشری آن‌چنان گسترده شده است که علوم و مباحث گسترده مربوط به آن را زیر شاخه بزرگی با عنوان translatology (ترجمه‌شناسی) طبقه‌بندی می‌کنند. از مترجم بزرگواری که احتمالاً یک جلد کتاب درباره فن ترجمه و ضوابط آن نخوانده و یک مقاله در این زمینه به رشته تحریر در نیاورده و یک نقد بر ترجمه‌های دیگران نوشته است، انتظاری بیش از این داشتن، شاید، انتظار و توقعی گزاف و بیهوده باشد.

۷. مترجم محترم قرآن، ترجمه خود را ویرایش نکرده و از صاحب نظران در این فن نظر مشورتی نخواسته است. اگر مترجم محترم، جمله «چون فرا رسد، ساعتی دیرزود نگردد» را به فردی فارسی زبان و با تحصیلات در حد دیپلم متوسطه ارائه می‌کرد، قطعاً فرد مذکور کلمه «یا» و / یا «و یا» را بین کلمات «دیر» و «زود» اضافه می‌نمود. و قس علیهذا.

۸. مترجم محترم، زحمت معادل‌یابی به خود نداده و با استفاده از واژگان عربی و یا بعضاً عین خود عبارات قرآنی، متن را - به اصطلاح - ترجمه کرده است! به نمونه‌هایی که همگی از میان همین چند ترجمه معدود منتخب در صدر این مقال انتخاب شده‌اند، توجه کنید:

تکذیب (برای فعل یکذبک) / تقدیر (برای واژه قرآنی تقدیر) / عذاب (برای واژه عذاب) / شدید العقاب (در ترجمه شدید العقاب) / قیام (برای واژه قائماً) / حکیم (برای واژه حکیم).

۹. ترجمه‌های این بزرگواران در مرآ و منظر جامعه نقد نشده‌اند و لذا اشکالات موجود در ترجمه‌های پیشین بدون اجتناب و احتراز از آنها، در ترجمه‌های پسین هم تکرار شده‌اند. به نظر راقم این سطور، اهمیت نقد ترجمه‌ها تا بدان پایه است که لازم است در برنامه درسی و واحدهای الزامی دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکترای رشته‌های علوم قرآن و

حدیث و معارف اسلامی دانشگاه‌های کشور گنجانده شود و اساتید بزرگوار و ذی صلاح طی آن واحدهای درسی، به طور عملی ترجمه‌های موجود قرآن کریم را نقد کنند و رساله‌های فوق لیسانس و دکترای این عزیزان دانشجو به جای بحث بر سر موضوعات کم‌اهمیتی نظیر «اسراف و تبذیر از دیدگاه قرآن»، «تجزیه و تحلیل علت تکرار الفاظ در قرآن»، «بررسی مفهوم ذکر از دیدگاه وحی»، «سیره ابراهیم خلیل در قرآن»<sup>۱</sup> و نظایر آنها که بیشتر برای گذراندن واحد پایان نامه و رساله و گرفتن نمره قبولی در آن، و نه بحث و نقد علمی و گره‌گشا در موضوعات قرآنی، به رشته تحریر در می‌آیند، به نقد ترجمه‌های قرآن اختصاص یابد.



۱. هر چهار عنوان ذکر شده در این جا، صرفاً به عنوان نمونه و شاهد از میان عناوین رساله‌های کارشناسی ارشد و دکترای دانشگاه تربیت مدرس انتخاب شده‌اند. این رساله‌ها در سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ در آن دانشگاه به رشته تحریر درآمده‌اند.